

دوزخنامه: گفتگو با اهریمن - بخش دوم

(مصاحبه با شیطان)

حنیف معلم

با آنکه آنکه آگاه هستید شخص جناب شیطان پذیرفته که هفته پیش در یک مصاحبه اختصاصی شرکت کنند. پس از بخش تحت گفتگو، شیطان از من دعوت کرد تا سری به دوزخ رفته و در منزل شخصی جناب شیطان خوش و بشی بکنیم و لبی ترکنیم و ادامه سی گفتگو را پی بگیریم. پس از گفتگو من این شانس را هم داشتم که سری به میهمانیهای شبانه جهنم زده و در دیسکوتک های اونجا هم حالی بکنم. این بار من فرصت را غنیمت شمردم تا پرسشهای اساسی تری مطرح بکنم و همه چیز عم بخوبی پیش رفت تا آنجا که بحث آتشدراغ شده بود که من حتی دلم نمی خواست که جهنم را ترک کنم! جناب شیطان هم از بازتاب نظرات خوانندگان در مورد بخش تحت گفتگو بسیار میجان زده شده بود. در اینجا من ادامه سی این گفتگو را برای خوانندگان گرامی بیان می کنم.

(یک شب آدینه در کنار استخر یخی خصوصی جناب شیطان..)

ح- سپاس دوباره از شما جناب شیطان که من رو دعوت کردید تا به کاخ شما در دوزخ بیام، باید اعتراف کنم که کاخ بسیار زیبایی در اینجا دارید! و همچنین سپاسگزارم که پذیرفتید که بار دیگر گفتگویی با هم داشته باشیم. این بار اگر اجازه بدید می خوام پرسشهای داغتر و اساسی تری رو مطرح بکنم. برای نمونه در مورد انتخابات ریاست جمهوری سال 2568 در ایران، نظر شما در مورد اتفاقاتی که افتاد چیه؟

ش- در واقع انتخاباتی که نبود، من و خدا اینجا کنار هم نشسته بودیم و در تلویزیون بزرگی که اینجا می بینید وقایع رو دنبال می کردیم.

ح- بله باید اعتراف کنم که تلویزیون بزرگی هست- تقریبا دو برابر بزرگی میدان شهید!

ش- بله داشتیم می گفتم، من و خدا هر دو به سادگی مردمی که هیجان زده شده بودن و می خواستن رای بدن می خندیدیم، در واقع از ابتدا پیدا بود که انتخابی در کار نیست و این انتخاب بیشتر به انتخاب بین سوسک ها و کرم ها شباهت داشت!

رژیم جمهوری اسلامی هر از گاهی چنین نمایشی بر پا می کنه تا همه ی مخالفانشو شناسایی و قلع و غم کنه. بعد هم باز دلک هایمانند موسوی یا خاتمی رو به صحنه بیاره و بگه بفرمایید این هم دمکراسی که می خواستید، این موسوی و خاتمی، همون رهبران اپوزسیون هستن! مگر همین ها رو نمی خواستید؟ این هم جمهوری آزادی اسلامی!

اما انصافا باید اعتراف بکنم که این خامنه ای و نوچه هاش روی ما رو سفید کردن! من که خود شیطان هستم، گاهی وقتا از شدت خبیثی اینها مات و حیران میشم! براشون جای مخصوصی در کنار دریاچه آتشین تدارک دیدم بویژه برای خاتمی و موسوی، این دو پست فطرت نقش اساسی تری در اغفال و گمراهی و در نتیجه قتل عام مخالفان بازی کردن. تصمیم دارم باهاشون کاری بکنم که خمینی فکر کنه داره توی بهشت زندگی می کنه!

ح- یعنی شما باور دارید که اینها دوستدار مردم نیستن؟

ش- شوخیت گرفته پسر جان؟! معلومه که نیستن! دست همه ی این نس ناس ها در یک کاسه است. مگر یادت رفته که در زمان همان موسوی جمهوری اسلامی چند هزار نفر را شکنجه و تجاوز و قتل عام کرد؟ و در زمان ریاست جمهوری همان سید شیاد خاتمی.

ح- اگر خاتمی و موسوی به فکر مردم نیستن، پس چاره ی کار به نظر شما چیه؟

ش- مردم ایران باید عقلشون برسه و خودشون همین حالا همون کاری رو با دار و دسته ی آخوندها بکنن که من تصمیم دارم در آینده بکنم! باید دودمان آخوند رو مردم به آتش بکشن! اینجوری کار من رو هم ساده تر می کنن و من قول میدم که در آینده این کمک اونها رو جبران بکنم.

ح- حالا که بحث به اینجا رسید، حتما خبر دارید که در این گیر و دار، آخوند منتظری هم مرد؟ اون که آخوند خوبی بود، حتما به بهشت رفته؟ یا اینکه شما اعتقاد دارید آخوند خوب وجود نداره؟

ش- نه پسر! من انتظار دارم شما که جوان هستی باهوشتر از اینها باشی! آخوند خوب، آخوند مرده است! آخوند اگر انسان بود که آخوند نمیشد!!

اتفاقا منتظری هم همینجا در جهنمه، نزدیک خمینی توی یک کلبه آتشین زندگی میکنه. همیشه با خمینی دعوا دارن! هی با لهجه اصفهانی به خمینی میگه: "همش تقصیری تو اس! دیدی چه بلایی سری ما آوردی س!"

(من جرعه ای از شراب داغ جهنمی مینوشم و آرزو میکنم که ای کاش ننوشیده بودم!)

ح- عجب! پس اینطور که پیداس جمعیت آخوندهای جهنم باید از جمعیت آخوندهای قم هم بیشتر باشه! راستی شجاع الدین شفا هم بتازگی در گذشت، آیا از ایشان خبری دارید؟

ش- نه شانس این رو نداشتیم که آقای شفا رو ببینیم. اینجور آدمای رو مستقیم به بهشت می برن، حتی از نزدیک جهنم هم ردشون نمی کنن. اما شنیدم الان با شاهنشاه آریامهر پیش هم هستن و خیلی هم خوشحالن که بعد از سی سال همدیگرو دیدن.

ح- جناب شیطان راستش بحث ما کمی سیاسی شد، اگر اجازه بدید برگردیم سر مسائل همین دنیا، منظورم همین جهنم و بهشته. آیا این چیزهایی که میگن در مورد روز قیامت، نشانه های وحشتناکی که از اون روز در قرآن بیان شده، پل صراط و از این حرفا، آیا اینها برآستی اتفاق خواهد افتاد؟ آیا پری های چشم سیاه بهشتی و رودخانه های شراب وجود داره؟ و آیا درسته که هر مسلمانی خودش رو به خاطر الله منفجر کنه، هفتاد و دو پری باکره! در بهشت در انتظار اون هستن؟

(شیطان چپش رو روشن میکنه)

ش- هاها! حالا چرا هفتاد و دو تا دختر باکره؟ چرا اقلانگفتن هفتاد و دو تا از اون خانمهایی که دست کم به کارشون کمی وارد هستن؟ هر چه باشه مردک بیچاره خودش رو به خاطر سکس منفجر کرده! نه پسرم، این حرفها همه مزخرف محضه! خدا دیگه اینقدرها هم دیوانه نیست! اگر قرار به میگساری و روسپیگری باشه که مردم این کارها رو در روی زمین هم میتونن انجام بدن. دیگه چرا بخوان خودشون رو منفجر بکنن؟ این حرفها همه به خاطر اینه که آخوندهای نس ناس هر جور رابطه ی جنسی رو قدقن کردن و اینه که مسلمان بیچاره مجبور میشه از شدت فشار هورمونها، خودش رو به خاطر پری های بهشتی بترکونه! تازه وقتی که میمیره و میاد اینجا پیش من، میبینه که ای داد بیداد عجب غلطی کرده! پری چشم سیاه پیشکش، حالا باید تازه جواب ازدهای دوسر رو بده! در مورد نشانه های روز قیامت هم باز چرنده! آخر مگه مسابقه آتش بازیه پسر جان که از آسمان سنگ و آتش بباره؟ همه این حرفها رو همین آخوندهای نس ناس ساختن که باهش مردم رو سرکیسه کنن. اون اول هم که محمد برداشت این چیزارو نوشت برای این بود که مردم رو بترسونه تا ازش اطاعت بکنن و کمکش کنن تا سرزمینهایی که میخواست رو غارت و چپاول بکنه. حالا هم که اومده اینجا توی همین جهنم دادم چوب توی ماتحتش بکنن!

(من و شیطان به آرامی به سوی باغ شیطان که در انتهای کاخ قرار داره قدم می زنیم..)

ح- عجب! پس شما می فرمایید که این نوشته ها زیاد هم صحت نداره. در مورد آفرینش انسان و پیدایش جهان و همچنین اینکه روز قیامت یا جزایی وجود داره کلا کتابهای مذهبی چیزهای زیادی نوشتن و ادعاهایی کردن، آیا ممکنه که شما یک جمع بندی کلی در این باره بفرمایید تا ذهن خوانندگان ما به کلی در این باره روشن بشه؟

ش- بله، همه ی جهان البته از یک انفجار بزرگ یا "بیگ بنگ" آغاز شد و بعد در طی میلیونها سال همه ی گونه های انسان و گیاه و نمونه های گوناگون هستی به آرامی تکامل پیدا کردن و دستخوش تغییرات و دگرگونیهایی شدن تا به شکلی که شما امروز میبینید در اومدن. مردم کلا نباید این کتابهای مذهبی رو جدی بگیرن، اینها افسانه هایی هست که برای سرگرمی و فریب مردم نوشته شده و هیچ پایه و اساس علمی و منطقی نداره.

این که کل این زمین و همه ی گیتی در عرض یک هفته ساخته شده باشه، همه بخوبی می دونن که غیر ممکنه، و یا اینکه مثلا عمر هستی تنها شش هزار سال باشه، البته نشانه هایی از حیات که مربوط به میلیونها سال پیش هست وجود داره.

روز آخر و این چیزها هم در کار نیست. این حرفها را خدا شایعه کرده تا مردم رو بترسونه. روزی که من بتونم کنترل کامل بهشت رو هم در دست بگیرم، دیگه همه چی مثل آب خوردن میشه چونکه من همین حالا بر زمین حکمرانی میکنم و بعدا کنترل این جهان هم همه در دست خود من خواهد بود و خدا دیگه نمیتونه که با فریب و اغفال مردم در رسانه ها اونها رو گمراه بکنه.

ح- جناب شیطان، در مورد امام زمان می خواستم بدونم که ایشان کی قرار هست که از ته چاه بیرون بیان و به بهشت پرواز کنن؟

ش- ها ها ها! از همون اول هم هیچ کوفتی ته چاه نبود!

ح- ها ها! راستش من هم از اول شک داشتم که چیزی ته چاه باشه، راستش من خودم یک روز رفتم و با چراغ قوه چند ساعت به دقت نگاه کردم، اما جز باباقوری گرفتن چشمام، چیزی نصیب نشد! من واقعا بی اندازه از شما سپاسگزارم جناب شیطان که وقت خودتون رو در اختیار من و خوانندگان قرار دادید، پاسخهای شما حتی فراتر از انتظارات من بود و موضوعات بسیاری رو روشن کرد. راستش باید اعتراف کنم پاسخهای شما بسیار قانع کننده تر از پاسخی بود که در گفتگو با خدا گرفتم و از نظرات خوانندگان هم پیداس که اونها هم همین نظرو دارن. حالا اگر ممکن باشه دوست دارم گردشی در دوزخ بکنم و دیدنیهای اینجا رو از نزدیک ببینم.

ش- بله، بفرمایید، من خودم همه جا را به شما نشان میدم.

(من و شیطان کاخ را ترک کرده و وارد خیابان اصلی دوزخ شدیم)

پس از این گفتگو من بطور معجزه آسایی بر روی زمین از خواب بیدار شدم..